بسمه تعالی

تکمله مقاله پیشین اسلام به ذات خود نداردعیبی/هرعیب که هست از مسلمانی ماست

نوشته نادر حسن زاده

اصل مقاله تحت همین عنوان در سایت شفقنا به تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۳۰ انتشار یافت. بر خلاف دو مقاله دیگر خیلی نیاز به طول و تفصیل و تکمیل مطالب گذشته نداشت. چون آنچه عیان است چه حاجت به بیان است. در این نزدیک به یک دهه مرزهای کشور به خوبی حفاظت شد که باید به حافظین آن دست مریزاد ابدی گفت. اما درون بیش از پیش آب رفت. مردم و مسئولین دلسوز هرچه دیدند تشدید بداخلاقی ها و خلاف کاریها بود. خلاف وعده ها و انتظارات بود. منذرین هم از ترس جان خود! یا نگفتند و یا کم گفتند. حداقل در حد و اندازه هجمه ها ظاهر نشدند. شعار جاء الحق و زهق الباطل کنار رفت. مدیران به رفاه طلبی خود و فرزندان خود روی آوردند. مدیران زیر دست به تبع بعضی مدیران زبر دست خود به غارت پنهانی بیت المال پرداختند و خیلی زود تظاهر به نخواندن نماز و نگرفتن روزه مد شد! به زبان آوردنش افتخار شد! کیست که اینها را باور کند؟ چقدر زود ابوذرها گوشه نشین شدند؟ کیست که تبعیدشدگان ربذه را دریابد؟ نسل ها جلوی دید همگان دود شدند! کیست که دین گریزان را یاری دهد؟ فرزندان خانواده ها کم کم از کنترل والدین خود خارج شدند. بیچاره پلیس که مسئولیت هایش ده چندان شده است و خطاهایش بیش از پیش. امروز همه از اسلام می گویند اما کو قدمی؟ کو نفسی؟ همه از درد مسلمانی می گویند کو درمانی؟ کو دریابی؟ در سطح منطقه هم هرچه خبر جهان اسلام است کشت و کشتار است. تجاوز به عنف است. تجاوز به حقوق دیگران است. تجاوز به شهرها و غارت اموال مردم است. از زیستگاه های طبیعی هر روز کاسته شده است. تو گوئی هیچکس از کارنامه خود بیمناک نیست. سکوت و زیر آبی رفتن نتیجه این وضع است. آمدن از کوه احد نقطه این پرتگاه است. دفاع از اسلام هر روز سخت سخت تر شد. کل مکتب در لاک دفاعی رفت و کیست که نداند صرف دفاع در برابر هجمه های همه جانبه دشمنان داخلی و خارجی محکوم به شکست است. اسلام در خط حمله شکوفائی پیروز است. امروز زمان آن رسیده است که اسلام را در ۱۰۰ مترمربع خاک اسلام به مدت۱۰۰ دقیقه پیاده کنیم. هم قابلیت اجرای آن برای ما ثابت بشود و هم غرب و شرق معترف باشند که این دین پاکان و نه ناپاکان، دین رحمت است، پیامبرش فوق رحمت است، خدایش رحمان و رحیم است.

تاریخ نشر ۱۳۹۵/۴/۱۰. تاریخ ششمین نسخه بازبینی۱۴۰۰/۲/۲۳

hasanzadehr@yahoo.com

- انسان برای تکامل خود و رشد جامعه خود محتاج همفکری با افکار برتر است. الهام از آموزه های یک یا چند مکتب می تواند مفید باشد اما انسان پیوندی و تفکر پیوندی بعضا کم بنیه و شکننده است. پیرو یک مکتب بودن آرمان هر انسان است. طبق معمول هر مکتبی یک مربی دارد و کار هر مربی داشتن یک نقشه راه، ارائه بسته هدایتی بی بدیل، آموزه های شفاف و بی عیب و نقص و هموار کردن راه رشد پیروان خود به صورت فردی و جمعی است. امروزه در فوتبال به آن به ترتیب تکنیک فردی و تاکتیک تیمی می گویند. اینکه در ترکیب یک تیم از چند مدافع و چند هافبک و چند مهاجم استفاده شود بر عهده مربی است. سیستم های ارنج مختلف وجود دارد که بطور نمونه از ارنج ۴-۴-۲، ۴-۴-۱-۱، ۴-۲-۳-۱، ۴-۵-۱، ۴-۳-۲-۱، ۴-۲-۳-۱ و ۴-۱-۴-۱می شود نام برد.
- اما در اغلب موارد تعداد نفرات دفاع ثابت و به عدد ۴ نفر می باشد.
- آن تیمی موفق است که بهترین تفکر، مجرب ترین مربی، خلاق ترین بازیکنان، قوی ترین دفاع و به روزترین ارنج را داشته باشد. برای روزآمدی ارنج ها نیاز به بازیکنان مجرب و یا بالقوه مستعد است تا مربی بتواند تاکتیک مدنظر خود را به کمک ایشان در زمین پیاده کند. کار کدام پست مهم و تعیین کننده است؟جای سئوال دارد. اما پر واضح است دفاع از کیان دروازه به ترتیب برعهده هافبک های دفاعی (به تعداد ۲-۱ نفر)، چهار مدافع خط دفاع و نهایتا دروازه بان است. کار هافبک دفاعی کمک به دفاع از طریق تخریب بازی هافبک های تیم حریف و زمینه بازی سازی در میانه میدان برای تیم خود است. این فرد طبق مستندات موجود باید از چهار ویژگی زیر برخودار باشد:

۱. دارای روحیه بخشنده و با سخاوت،
۲. با اراده و مصمم،
۳. دارای تمرکز،
۴. میل و اراده لازم در پذیرش ریسک.

- با این مقدمه به سراغ دین اسلام می روم. آیا دین کاملی است؟ دین تعقل یا تعبد است؟ در استفتا در آن بسته است؟ فرض بر بستن گوش ها و چشم ها برای نشنیدن و ندیدن است؟ امت ساز است یا مقلد ساز؟ انسان وارسته می سازد یا وابسته؟ بی ریشه است یا ریشه در زمین و شاخه در سما دارد؟ اگر دین کامل است که هست، قادر است که هست، طاهر است که هست، این خطاهای فاحش بنام اسلام از کجاست؟ فرستاده این دین ارنج امت را به ما یاد نداده است؟ راه را برای ما هموار نکرده است؟

نبی مکرمش کلام را در هوا پاشیده و رفته است؟ نقشه راهش ناخوانا است؟ به زبان واحد عربی نیست؟ امامان حافظ دین ندارد؟ برای آن کم خون داده شده است؟ عقیل و بلال و میثم کم بودند یا ابوذر و سلمان و مقداد کم

گذاشتند؟ امیری چون علی نداشتیم؟ ذبیحی چون حسین نداشتیم؟ ربیعی چون باقر و صادق نداشتیم؟ اسطوره های نساءالعالمینی کم داشتیم؟ غایب موعود نداشتیم؟ آیاتش بی ثبات بود؟ حرفش بی حساب بود؟

اولش نگفت بخوان (اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ الَّذِی خَلَقَ – بخوان به نام پروردگارت که جهان را آفرید/آیه ۱ سوره علق)! بعدش نفرمود بگوئید خدایا علم مرا افزون کن (وَقُل رَّبِّ زِدْنِی عِلْمًا- طه/۱۱۴)؟ بعد بعدش نگفت طلب علم بر هر مرد و زن واجب است. آخرش نپرسید آیا دانایان با نادانان مساویند؟

انعطاف قرآن کم بود؟ محکمات و متشابهاتش کم بود؟ یا ما را از تفحص در هر دو بخش آن بر حذر داشتند؟ مگر دفاع از کیان دین به جز با محکمات است؟ تاویل های درست و بلندپایه نباید از متن متشابهات برخیزد؟ متشابهات مگر غیر از کمک به سیستم دفاعی دین است؟ وظیفه مفسرین و روشنفکران دینی مگر غیر از این است؟ حق است امروز که وارسته ترین کتاب آسمانی در معرض هجوم اغیار است بجای تعدیل یا تاویل اصول آن، آن را صرفا تفسیر کنیم. سپس اصول عقیدتی و عملی خود و جوامع اسلامی را تقویت کنیم. عقاید اسلامی را با محکمات و متشابهات آن به روز و بلکه بالاتر از روز کنیم. هر کاری را به نام اسلام به خورد رسانه های دنیا ندهیم. در توان هر کسی نیست از دین دفاع نکند. دفاع هم کرد اذعان کند در حد وسع خود دفاع کرده است.

دفاع بد، بدترین دفاع از دین و پرگل ترین شکست ممکنه است.

گزیده گو باشیم، دست و دل پاک داشته باشیم، از اعتماد مردم سوء استفاده نکنیم، اذهان مردم را به دست رسانه های فرامرزی نسپاریم. ایرادهای خودمان را اول خودمان بگیریم، شب را کم بخوابیم، دست به جیب خود کم ببریم، تعداد مراجعات ما به بانک کم باشد. بیشتر، مردم را روانه بانک ها بکنیم.

- طهارت را از اسلام یاد بگیریم. اگر حکم به بریدن دست دزد است و سنگسار زانی و زانیه و دادن دیه نصف به زن برای اینست که زمینه دزدی، زنا و قتل فراهم نباشد. اما اگر هر روز خبر از اختلاس و ارتشا و احتکار است کجای دین فرمان به قطع اعضای دست تهیدست می دهد؟ دشمنان اسلام بعمد کج می بینند و دوستان اسلام به سهو کج عمل می کنند. محصول هر دو یکیست و آن تخریب دین است. هر کس از یک یا چند آیه خدا خوشش نمی آید و در صدد انکار آنست.

زیرا قرآن را نمی خواند. یا می خواند اهمیتی نمی دهد. یا بخشی از آن را می پذیرد. گوئی انتخاب آیات دست فرد است. نمی داند صدای یک مسلمان (حرف و اعتقاد) نباید بالاتر از صوت پیامبر (ص) باشد (یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَکُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِیِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ کَجَهْرِ بَعْضِکُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُکُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ- ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صدای خود را فراتر از صدای پیامبر (صدای قرآن و نه آن چیزی که معروف است: داد و بیداد! بلی داد و بیداد یکی از حالات بلندی صداست. این ساده انگاری تمام از آیات قرآنی است. همین برداشت هاست که اسلام را بدست ما مسلمانان زمین گیر کرده است) نکنید، و در برابر او بلند سخن مگویید آن گونه که بعضی از شما در برابر بعضی بلند صدا می‌کنند، مبادا اعمال شما نابود گردد در حالی که نمی‌دانید. حجرات/۲).

و باز نمی داند به طور مستقیم به خدای خدا بی احترامی می کند. استغفرالله برای خدا کسب تکلیف می کند! کتاب او را که مظهر و تجلی وجود لایتناهی اوست به سخره می گیرد: الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ* فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ *عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ- همانانی که قرآن را جزء جزء کردند (برخی را که به سودشان بود پذیرفتند و به آن عمل کردند. برخی را که به ضررشان بود نپذیرفتند و از آن روی گردانیدند*پس سوگند به پروردگارت که از بازخواست خواهیم کرد* از آنچه انجام می دادند (حجر/۹۳-۹۱). (مراجعه شود به مقاله قرآن جعبه نور (Lux Light Box) نهاد اسلام- قسمت پنجم در همین سایت). لذا:

- زناکار: از آیه" الزانیه و الزانی فاجلدوا کل واحد منهما مأه جلده..(صد تازیانه برای زنا) سوره نور آیه ۲
- سارق: از آیه"والسارق والسارقه فاقطعوا ایدیهما" (قطع دست دزد) سوره مائده آیه ۳۸
- شراب خوار و قمارباز: از آیه"یسئلونک عن الخمر و المیسر قل فیهما اثم کبیر و....سوره بقره آیه ۲۱۹
- سیاستمدار: از آیه"ان الله یامرکم ان تودو الامانت الی اهلها" (دادن امانات به اهلش) سوره نسا آیه ۵۷
- رباخوار از آیه"یا ایها الذین امنوا لاتکلوا الربوا....سوره آل عمران آیه ۱۳۰
- آدم مستبد: از آیه"و شاورهم فی الامر....(مشورت با دیگران) سوره آل عمران آیه ۱۵۹
- آدم فتنه گر: از آیه"والفتنه اکبر من القتل" سوره بقره آیه ۲۱۷
- آدم دگرآزار: از آیه "لاخیر فی کثیر من نجویهم.... (گوش ایستادن) سوره نسا آیه ۱۱۴
- زنان از آیات مربوط به ارث، دیه، چند همسری، حجاب و...
- تو گوئی وظیفه مومن و مومنه نه دفاع فکری و عملی از ارکان دین است. نه انذار مسئولین است. بی اعتمادی به احکام خدا و دستورات پیامبر توهین به وحی است. نمی شود دین را همواره در موضع صرف دفاعی قرار داد. نمی شود هم دیندار بود و هم دنیا و دیناردار. گرفتن دست یتیم و مستحق با کیست؟ ساخت کشور با کیست؟ عجب تزاحمی! با گزینش بعضی از آیات و روایات بعضی ها برای خود مکتب پوشالی ساخته اند! تبلیغ نصف دین-نصف دنیا می کنند! دین اسلام دین آگاهی است. آگاه ترین ایشان مرحوم ترین ایشان است. علما با خشیت ترین آنها نسبت به خدای خود هستند (إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاء. فاطر ۲۸). این دین انسان اکثر نمی خواهد. انسان اقل اما دانا و مجاهد و عارف و انسان دوست و نمازخوان و زکات ده و بی یا کم معصیت می خواهد.

فکر گناه در این مکتب خود گناه است.

گناهان کوچک برای علما و مدیران ارشد کشورهای اسلامی گناه بزرگ محسوب می شوند. بی تفاوتی در برابر مشکلات جامعه بر همه کس جرم محسوب می شود. بی خبری از همسایه نشانه نامسلمانی است. باید هر چه زودتر باب انذار و تذکر در رسانه های عمومی گشوده شود تا سایه بی اعتمادی از کشور رخت بر بندد. تشکیل هسته های ویژه مراقبت برای دفاع از امنیت و اجتماعیات کشور تحت نام سازمانهای بنیاد نهاد بیش از تشکیل نهادهای دانش بنیاد

حائز اهمیت است. سوراخ دعا گم شده است. خطر هجمه اقتصادی کمتر از هجمه فرهنگی نیست. هر دو حوزه متاسفانه آسیب دیده است. کلاسهای هر دو حوزه بی معلم است. بی برنامه است.

به چهره مومن ترین فرد جامعه هم گه نظاره می کنی پیش خود می گوئی نکند این هم بلی!

باید علم و عمل با هم جلو برد. مسلمانی به ریا و مومنی به نیا نیست. باید تعاریف جدیدی از اسلام و مسلمانی داد تا اصول دین حداقل قابل دفاع باشد. تسلیم شدن مفت به مکاتب بی بنیه و بی بته نشان از استیصال دارد. تبلیغ برای جذب در مکاتب دیگر امروزه تحت عناوین موجه بسیار وسوسه انگیز است. نسل خیلی از کشورها در حال افول است. زرق و برق دنیا برای نسل جوان گیرا و برای تصمیم سازان و تصمیم گیران صحنه کار زار است. مگر خدا به داد ما مسلمانان برسد. دعای استیصال! بخوانیم اگر ما جلو نمی افتیم آنها خیلی جلو نیفتند!! و اگر آنها ما را به این روز انداختند خودشان هم به درد ما مبتلا بشوند.

- علی ای الحال تاکنون از خود پرسیده ایم مسلمانی فردا چه نوع مسلمانی هست؟ تبلیغات دین به شکل امروزی چقدر راهگشاست؟ اگر پاسخ ها منفی است پرسش بعدی این است تعلل در امت سازی بر عهده کیست؟ نسل جدید به دین پشت بکنند مسئولیتش با کیست؟ زاد و ولد نکنند با کیست؟ بیکار بمانند با کیست؟ کشور نسازند با کیست؟ خیانت بکنند با کیست؟ دنبال نخود سیاه بروند با کیست؟ بیائیم خود را برای آن روز آماده کنیم. فردا روزی بکنیم. فقط دست مردم شناسنامه مسلمانی ندهیم. شناسنامه هویت ملی و دینی هم بدهیم. نام ندهیم نان هم بدهیم. نان ندهیم نای هم بدهیم.

برای این کار باید افق فردا را روشن تر از این دید. تعاریف جدید مسلمانی داد. این ها تعاریف من در آوردی نیستند عین نص قرآن است. مرامنامه اسلام است. حداقل های مسلمانی فردای ما است. بیم دیروز و امروز و فردای ما است. مربوط به قبل از رحلت رسول مکرم است (وَمَا مُحَمَّدٌ إِلاَّ رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ – اگر پیامبر خدا بمیرد و یا کشته شود شما به عقب بر می‌گردید؟ سوره آل عمران آیه۱۴۴).

شاید بنظر برسد این تعاریف بیشتر برای مومنین است تا مسلمین.

اما چنین نیست باید از همان ابتدا کمرها را محکم تر بست، تعاریف را سخت تر کرد و درجه نفوذ بند بند مرامنامه مسلمانی را پر نفوذتر کرد تا هر کسی بنام دین تبلیغ دین نکند، با گفتار، رفتار و کردار خود مردم را از دین گریزان نکند، تمام وجودش دنیا باشد آن وقت دم از معنویت بزند، در رثای علی و فاطمه اشک محبت خاندان اهل بیت بریزد، به خود نگوید یکی از آنهائی که از این خاندان حرمت نگه نداشت من بودم. یکی از آنهائی که مانع ظهور پیشوای موعود است من بودم. یکی از آنهائی که موجب گمراهی نسل جدید شد من بودم. نرود با یک نام و شناسنامه مسلمانی آبروی دیگر مسلمانان دنیا را ببرد. آش نخورده دهان سوخته! حفظ آبرو نمی کنند هتک آبرو نکنند. فضولی در کار خداست. خدا مرا ببخشد. من هم یک مسلمانم هرچه می خوانم و می بینم ضربت خوردن اسلام از اسلام است! حداقل

در تعاریف ذهنی من جائی برای نفوذی هائی امثال ابوسفیان ها نیست. جائی برای شورای سقیفه نیست. مطمئن می شوم علی برای من خطبه شقشقیه باقی نخواهد گذاشت. در مکه در پی عطر یاس اسلام حضرت فاطمه (ع) نخواهم گشت. خانم زینب ناظر و ناصر خون شهدای کربلا نخواهد بود. برای ذبح اسلام از سوی خودی غصه نخواهم خورد.

تعاریف جدید با مسئولیت ویژه طبق انتظار اسلام:

۱. هرکس علم ندارد مسلمان نیست (اول و آخر درد مسلمانی).
۲. هرکس بیکار است مسلمان نیست.
۳. هرکس اصول دین نمی داند مسلمان نیست.
۴. هرکس دغدغه مردم ندارد مسلمان نیست.
۵. هرکس شجاعت ندارد مسلمان نیست.
۶. هرکس عمله جور است مسلمان نیست.
۷. هرکس برای آینده کشور خود بیمناک نیست مسلمان نیست.
۸. هرکس بفکر خویش و جیب خویش است مسلمان نیست.
۹. هر کس وقت مردم را تلف می کند مسلمان نیست.
۱۰. هرکس غارت بیت المال می کند انسان نیست. حیوان هم نیست. بی پدر و مادر است. حرامزاده است. ام الفساد است. در راه جهنم است. شریک جرم شیطان است. خود شیطان است. جزو کاراکترهای اصلی سوژه های ماه رمضان است. آئینه دق نسل امروز و درس عبرت نسل های بعدی است. از شجره خبیثه اند. با مرگ هم پاک نمی شوند. با خاک هم خاک نمی شوند. روز رستاخیز بلندترین نعره ها مربوط به ایشان است.
۱۱. روشنفکر مسلمانی که دغدغه اصلاح جامعه را ندارد مسلمان نیست.
۱۲. هر کس که روزهای مشابه و غیر مفید دارد مسلمان نیست.
۱۳. هرکس معتقد به دنیا و آخرت نیست مسلمان نیست.
۱۴. هرکس از اسلام فقط ریش دارد مسلمان نیست.
۱۵. هرکس رانت خوار است مسلمان نیست.
۱۶. هر محیط بانی که مدافع محیط زیست نیست مسلمان نیست (باتوجه به قتل سه محیط بان شریف ایرانی در هرمزگان و فارس باید نوشت هرکسی محیط بانی را بعمد بکشت سزاوار مردن است. زیرا او قاتل ناجی محیط سبز ایران است.
۱۷. هر کس به یک وجب از حریم کوه ها، جنگل ها، دره ها، دشت ها، کوهپایه ها، گردنه ها.. دست درازی کند و برای تعطیلات آخر هفته خود، یک ملت را و بلکه هزاران نسل بعد از خود را از مواهب گردنه حیران، جنگل جواهرده (گزارش خبری مورخ ۱۳۹۴/۱/۱۲ سایت بینانیوز تحت عنوان "پیام معصومه ابتکار در آستانه سیزده به

در"- فایل ۱۴۵)، کوه دماوند و.. محروم می کند انسان بی وطن و بی وجدان و بی ناموس است. جرم او وقتی مشخص ترخواهد شد که کشورها در آینده به داشتن عرصه های وسیع طبیعی خود افتخار کنند و فرزندان مقیم خارج او ببینند که ایران امروز نه نفت دارد، نه محیط زیست و نه زمین کافی برای تامین مایحتاج غذائی خود!

۱۸. هر معلمی که از درس خود کم می گذارد مسلمان نیست.

۱۹. هر پزشکی که زیرمیزی می گیرد پزشک نیست. جیره خوار علم و خائن مردم است.

۲۰. هر مدیری که اصلح تر از خود می بیند و به نفع او کنار نمی رود مسلمان نیست.

۲۱. هر انتصابی که برای خدا نباشد مسلمانی نیست.

۲۲. هر مدیر اسلامی که از اسلام مایه بگذارد مسلمان نیست.

۲۳. هر مدیر مسلمانی که اسلامش بتدریج آب رفته باشد مسلمان نیست.

۲۴. هر برنامه تلویزیونی که بیننده نداشته باشد جرم نابخشودنی است. صدا و سیمای ایران امروز گرفتار آن است.

- شاید بپرسید با این حساب کو آن انسانهای مسلمان؟
- گویم تا فردا بشماریم ایراد مسلمانی است. بقول حافظ؟ یا خیام؟ یا ابوسعید ابوالخیر؟ گوینده آن نامعلوم است!! اسلام به ذات خود ندارد عیبی/هر عیب که هست از مسلمانی ماست.